

واکاوی ساختار نحوی و کارکرد معنایی «ان» و «لو» وصلیه و تحلیل کاربست آن در قرآن کریم

سید علی خاتمی سبزواری^{الف}، محمدجرفی^{ب*}، سید ابوالفضل سجادی^ج، قاسم مختاری^د

^{الف} فارغ التحصیل دکتری، زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌ها، دانشگاه اراک، اراک، ایران، (khatami14@gmail.com)

^ب استادیار، زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌ها، دانشگاه اراک، اراک، ایران، (m-jorfi@araku.ac.ir)

^ج دانشیار، زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌ها، دانشگاه اراک، اراک، ایران، (a-sajady@araku.ac.ir)

^د دانشیار، زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌ها، دانشگاه اراک، اراک، ایران، (g-mokhtari@araku.ac.ir)

چکیده	واژگان کلیدی
یکی از ساختارهای ادبی برجسته در متون ادبی به‌ویژه قرآن کریم، اسلوب «ان» و «لو» وصلیه است. با توجه به اهمیت این ساختار در فهم دقیق معانی و ظرافت‌های ادبی متن، پژوهش پیرامون آن ضرورت دارد. نوشتار پیش‌رو با رویکرد توصیفی-تحلیلی به واکاوی دقیق ساختار نحوی و کارکرد معنایی این اسلوب پرداخته و کاربست آن را در قرآن کریم مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از منظر ساختار نحوی، باقی ماندن «ان» و «لو» وصلیه در ساختار شرطی، نسبت به دیدگاه‌های دیگر از پذیرش بیشتتری در میان نحویان برخوردار است و از منظر کارکرد معنایی، اسلوب وصلیه با هدف تاکید بر گستردگی و فراگیری حکم در همه مصادیق و حالات و جلوگیری از تردید در محدودیت آن به کار می‌رود. بررسی آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که اگرچه «لو» و وصلیه کاربرد بیشتری نسبت به «ان» و وصلیه دارد، اما در تمامی موارد استفاده از ساختار وصلیه با «ان» و «لو»، تاکید بر شمول و فراگیری حکم، به روشنی بازتاب یافته است.	قرآن کریم. «ان» «لو» وصلیه، ساختار نحوی، کارکرد معنایی. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹

دراسة البنية النحوية والوظيفة الدلالية لـ«إن» و«لو» الوصلية وتحليل استعماله في القرآن الكريم

سيدعلي خاتمي سبزواري الف^۱، محمد جرفي ب^۲، سيد ابوالفضل سجادي ج^۳، قاسم مختاري د^۴

الف خريج دكتوراه، اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب واللغات، جامعة أراك، أراك، إيران، (khatami14@gmail.com)

ب^۲ أستاذ مساعد، اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب واللغات، جامعة أراك، أراك، إيران، (m-jorfi@araku.ac.ir)

ج^۳ أستاذ مشارك، اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب واللغات، جامعة أراك، أراك، إيران، (a-sajady@araku.ac.ir)

د^۴ أستاذ مشارك، اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب واللغات، جامعة أراك، أراك، إيران، (g-mokhtari@araku.ac.ir)

الملخص	الكلمات المفتاحية:
من البنيات الأدبية البارزة في النصوص الأدبية، وخاصة القرآن الكريم، هو أسلوب "إن" و "لو" الوصليتين. ونظراً لأهمية هذا الأسلوب في فهم المعاني وكشف الدقائق الأدبية للنص فإن البحث حوله ضروري. وقد تناول هذا البحث من خلال منهج وصفي - تحليلي، تحليل البنية النحوية والوظيفية الدلالية لهذا الأسلوب ودراسة تطبيقاته في القرآن الكريم. وتُظهر نتائج البحث بقاء "إن" و "لو" الوصليتين في البنية الشرطية يحظى بقبول أكبر بين النحويين مقارنة بالآراء الأخرى، ومن الناحية الدلالية يُستخدم أسلوب الوصلية للتأكيد على شمولية الحكم وتعميمه على جميع الأمثلة والحالات. وتبين دراسة آيات القرآن الكريم أنه على الرغم من أن "لو" الوصلية أكثر استخداماً من "إن" الوصلية، إلا أن التأكيد على شمولية الحكم وتعميمه يظهر بوضوح في جميع حالات استخدام البنية الوصلية بـ "إن" و "لو" في القرآن الكريم.	القرآن الكريم، «إن»، «لو»، الوصلية، البنية النحوية، الوظيفة الدلالية. تاريخ الاستلام: ١٤٠٣/٠٤/١١ تاريخ المراجعة: ١٤٠٣/٠٥/١٤ تاريخ القبول: ١٤٠٣/٠٦/١٩

مقدمه

کلمه در دستور زبان عربی به اسم، فعل و حرف تقسیم شده که اسم دارای معنایی مستقل و فاقد زمان‌های سه‌گانه (گذشته، حال، آینده) و فعل دارای مفهومی مستقل و واجد یکی از زمان‌های سه‌گانه است. اما حرف معنای مستقلی ندارد و دارای زمان نیست و تنها پیوند دادن اجزاء کلام با هدف انتقال معانی را بر عهده دارد. «إن» و «لو» از جمله حروفی هستند که نقش بسزایی در انتقال مفاهیم مختلف داشته و کاربست فراوانی در متون ادبی به‌ویژه قرآن کریم، دارند و دارای اقسام و گونه‌های متعددی می‌باشند. در کتاب‌های نحوی برای «إن» شش گونه ذکر شده است: «شرط»، «تاکید» (مخفف از ثقیله)، «نفی»، «زائد»، معنای «قد» و معنای «إذ». بیشتر نحویان معنای «قد» و «إذ» را برای «إن» نپذیرفته‌اند. (ابن هشام، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۵) همچنان که نحویان از پنج گونه «لو» سخن گفته‌اند: «شرطی امتناعی»، «شرطی استقبالی»، «مصدری»، «تمنی» و «عرض» که برخی مورد پذیرش همه علمای نحو و بعضی اختلافی است. (ر.ک: همان، ص ۲۵۵-۲۶۷)

یکی از گونه‌های «إن» و «لو»، وصلیه است. این قسم، در کتاب‌های نحوی پیشینیان با این نام، مطرح نشده و تنها در برخی نوشتارهای ادبی و تفسیری همچون شرح حماسه ابن جنی (م ۳۹۲ق)، شرح حماسه مرزوقی (م ۴۲۱ق) و تفسیر کشاف زمخشری (م ۵۳۸ق) مباحثی محدود پیرامون ترکیب نحوی آن بیان شده است. بنابر گزارش دمامینی (م ۸۲۷ق) نامگذاری این قسم به «وصلیه» توسط نحویان متأخر، انجام گرفته است. (ر.ک: دمامینی، ۱۴۲۸ق، ۱: ۹۷) و به تدریج در برخی کتاب‌های ادبی مانند شرح کافیه رضی الدین استرآبادی (م ۶۸۶ق)، شرح تلخیص المفتاح تفتازانی (م ۷۹۲ق)، شرح مغنی اللیب دمامینی (م ۸۲۷ق)، ریاض السالکین مدنی (م ۱۱۲۰ق)، حاشیه صبان بر شرح اشمونی (م ۱۲۰۶ق) و پاره‌ای از تفاسیر قرآن کریم نظیر تفسیر أبوالسعود (م ۹۸۲ق)، عنایه القاضی خفاجی (م ۱۰۶۹ق)، روح المعانی آلوسی (م ۱۲۷۰ق) و التحریر و التنویر ابن عاشور (م ۱۳۹۴ق) ذیل برخی آیات، به ساختار نحوی و کارکرد معنایی آن اشاره شده است. این در حالی است که این اسلوب در متون ادبی به ویژه قرآن کریم کاربست فراوانی داشته و در تعیین تفسیر دقیق برخی از آیات قرآن و شناخت ظرافت‌های ادبی نقش اساسی دارد، و عدم شناخت ساختار و کارکرد این اسلوب موجب ابهامات بسیاری در فهم و تفسیر متون ادبی و قرآن کریم خواهد شد. جستار حاضر بر آن است تا به واکاوی ترکیب نحوی اجزاء این اسلوب و بازشناسی کارکرد معنایی آن، بپردازد و سپس کاربست این اسلوب در قرآن کریم را تحلیل و نقش ممتاز آن در فهم و تفسیر آیات را تبیین نماید.

۲. سوالات پژوهش

آنچه پیرامون «إن» و «لو» وصلیه اهمیت دارد، سه پرسش اساسی است که جستار حاضر بر آن است تا به روشنی به آن‌ها پاسخ دهد، این پرسش‌ها عبارتند از:

- ۱- آیا «إن» و «لو» وصلیه، مصداقی برای یکی از گونه‌های پیش‌گفته‌ی این دو حرف، در کتاب‌های نحوی می‌باشند و یا قسمی جداگانه با کاربردی متفاوت به‌شمار می‌آیند؟
- ۲- آیا «إن» و «لو» وصلیه کارکرد معنایی متمایزی نسبت به گونه‌های دیگر دارند؟
- ۳- اسلوب وصلیه در دو سطح کاربرد و کارکرد، چگونه در قرآن کریم بازتاب یافته و شناخت آن چه تاثیری در فهم و تفسیر آیاتی که این اسلوب در آن‌ها به‌کار رفته، خواهد داشت؟

۳. پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های معاصر تنها در دو مقاله، برخی جنبه‌های این اسلوب مورد بررسی قرار گرفته است:

- ۱- بررسی ساختار نحوی- بلاغی حرف «لو» و کاربردهای آن در قرآن کریم (فصلنامه پژوهش‌های ادبی- قرآنی، مرتضی قائمی و سید محمود قتالی، ۱۳۹۲، ش ۱: ۱۲۹-۱۵۴). در این پژوهش، گونه‌های «لو» در زبان عربی و کارکرد بلاغی آن در قرآن کریم شرح و بسط داده شده، ولی ماهیت نحوی اسلوب وصلیه و کاربست «إن» وصلیه در قرآن کریم، بررسی نشده است.

۲- مترجمان و لغزش در فهم معنای «إن» (نشریه بینات، ش ۲، ۷۲-۸۳). هر چند در این مقاله به مناسبت لغزش مترجمان قرآن در فهم معنای «إن»، کاربرد «إن» وصلیه در قرآن کریم نیز بررسی شده، ولی گونه‌های «لو» در زبان عربی و کاربردهای آن، و نیز کارکرد معنایی اسلوب وصلیه در قرآن کریم مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.

بر اساس جستجوی نگارنده، تاکنون پژوهش مستقل و فراگیری که در بردارنده همه ابعاد نحوی- بلاغی اسلوب وصلیه باشد، و کاربرد و کارکرد آن را در قرآن کریم شناسایی و تحلیل نماید، انجام نگرفته است.

۴. تحلیل ساختار نحوی اسلوب وصلیه

اسلوب وصلیه در زبان عربی گاهی پس از جمله به عنوان متمم و مکمل آن جمله به کار می‌رود، مانند: «أكرم أباك و إن/لو و تحك»، و گاهی در میان جمله به عنوان قید آنچه پیش از این اسلوب آمده است، مانند: «زید و إن/لو كثر ماله بخيل».

بر پایه استقراء موارد کاربردی اسلوب وصلیه، این اسلوب پنج گونه کاربردی دارد:

(۱) جمله + و + إن/لو + جمله، مانند: «أكرم أباك و إن/لو و تحك»؛

(۲) مبتداء + و + إن/لو + جمله + خبر، مانند: «زید و إن/لو كثر ماله بخيل»؛

(۳) مبتداء + و + إن/لو + جمله + فاء + جمله خبری، مانند: «زید و إن/لو كثر ماله فهو بخيل»؛

(۴) مبتداء + و + إن/لو + جمله + إلیا + آن + جمله، مانند: «زید و إن/لو كثر ماله إلا أنه بخيل»؛

(۵) مبتداء + و + إن/لو + جمله + لکن + جمله، مانند: «زید و إن/لو كثر ماله لکنه بخيل».

با توجه به گونه‌های پنجگانه، در ساختار این اسلوب همواره ابتدا حرف «واو» ذکر می‌شود سپس یکی از دو حرف «إن» و «لو» به کار رفته و پس از آن، جمله قرار می‌گیرد. در علم نحو، درباره چستی «إن» و «لو» وصلیه و نیز ماهیت «واو» پیش از آن دو و ترکیب جمله پس از آنها، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است؛ بنابراین ضروری است که با تکیه بر نوشتارهای نحوی، ماهیت اجزاء این اسلوب مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۱.۴. ترکیب نحوی «واو» و جمله پس از آن

درباره ترکیب نحوی «واو» و جمله پس از آن، سه نظریه اساسی مطرح شده است:

۱. «واو» برای حال و جمله پس از آن جمله حالیه است. این دیدگاه را ابن جنی و زمخشری برگزیدند. ابن جنی در

توضیح شعر:

عَاوِدْ هَرَاةَ وَّ إِن مَعْمُؤُهُهَا حَرِيًّا وَ أَسْعِدِ الْيَوْمَ مَشْعُوفًا إِذَا طَرِبًا (سیبویه، ۱۴۱۰ق، ۱: ۵۳۵)

جمله «و إن معمورها خربا» را شرطی و حال برای پیش از خود دانسته است. (ابن عاشور، نقل از ابن جنی، ۱۴۲۰ق، ۲: ۱۰۶) زمخشری نیز در تفسیر برخی آیات دارای اسلوب وصلیه، «واو» را برای حال و جمله پس از آن را جمله حالیه دانسته است. برای نمونه، در تفسیر آیه وَ لَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ (أحزاب: ۵۲) تقدیر آیه را «مفروضاً إعجابك بمن» بیان کرده؛ و در تفسیر آیه أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَ لَا يَهْتَدُونَ (بقره: ۱۷۰) «واو» را حالیه و تقدیر آیه را «أيتبعوهم و لو كان آباؤهم لا يعقلون شيئاً من الدين و لا يهتدون للصواب» در نظر گرفته است. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱: ۲۱۳، ۶۸۵)

۲. «واو» اعتراضی و جمله پس از آن معترضه است. این دیدگاه را رضی الدین استرآبادی انتخاب کرده است. البته او جمله معترضه را جمله‌ای می‌داند که به ظاهر، مستانف و بی‌ارتباط با کلام پیشین است، ولی پیوندی معنایی با اجزای کلام پیشین دارد. او بر این باور است که جمله معترضه همانگونه که می‌تواند در میانه کلام به کار رود، در پایان کلام نیز قرار می‌گیرد. (ر.ک: استرآبادی، ۱۳۸۴، ج ۴: ۹۸)

۳. «واو» برای عطف و جمله پس از آن معطوف است. این دیدگاه را جنزی از علماء و ادباء قرن ششم هجری مطرح کرده و بنابر گزارش ابن عاشور بیشتر نحویان آن را پذیرفته‌اند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲: ۱۰۷) و معمولاً اسلوب وصلیه بر پایه این دیدگاه تحلیل و ترکیب نحوی می‌شود. به باور جنزی «واو» برای عطف است و جمله پس از خود را بر جمله‌ای مقدر که از قرائن فهمیده می‌شود و در معنا مقابل جمله مذکور است، عطف می‌کند. به عنوان مثال، جمله «أكرمه وإن شمتني» در اصل «أكرمه إن لم يشمتني و إن شمتني» بوده است. (ر.ک: تفتازانی، ۱۴۱۶ق: ۲۷۴)

۲.۴. معنای «إن» و «لو»

درباره معنای «إن» و «لو» در اسلوب وصلیه، دو نظریه مطرح شده است:

۱. باقی ماندن بر معنای شرط: طبق این دیدگاه که از پذیرش بیشتری میان نحویان برخوردار است، اسلوب وصلیه قسمی جداگانه و متمایز از گونه‌های پیش‌گفته نیست و مصداقی برای «إن» و «لو» شرط است. ابن جنی این دیدگاه را برگزیده و بر این باور است که «إن» و «لو» در اسلوب وصلیه همچنان معنای شرط را دربردارند، هر چند به سبب ذکر حکم در جمله پیشین، جزایشان ذکر نمی‌شود. (ر.ک: ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲: ۱۷۰) رضی الدین استرآبادی نیز «إن» و «لو» را دارای معنای شرط و جمله پس از آن دو را جمله شرطی می‌داند که جواب آن مقدر است و از قرائن فهمیده می‌شود. (استرآبادی، ۱۳۸۴، ۴: ۹۸) سید علیخان مدنی نیز که دیدگاه جنزی را پذیرفته و «واو» را برای عطف می‌داند، «إن» و «لو» را دارای معنای شرط و نیازمند جزاء دانسته و جواب شرط را امری محذوف قرار داده که از حکم مذکور در جمله پیشین فهمیده می‌شود. (ر.ک: مدنی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۷۱)

۲. بیرون آمدن از معنای شرط: بر پایه این دیدگاه «إن» و «لو» وصلیه از ساختار و معنای شرط بیرون آمده و تنها برای پیوند دادن و وصل کردن به کار می‌روند. ابن عاشور معتقد است که بررسی سخنان زمخشری چنین به دست می‌دهد که «إن» و «لو» وصلیه از معنای شرط بیرون آمده‌اند، از این رو هیچگاه به جزاء نیاز ندارند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲: ۱۰۹) برخی طرفداران دیدگاه جنزی نیز بر این باورند که چون «معطوف علیه» مقدر، نقیض معطوف مذکور است و یک فعل نمی‌تواند همزمان دو شرط متضاد داشته باشد، «لو» معنای امتناع را نمی‌رساند و «إن» نیز در حقیقت برای تعلیق نیست و این دو حرف در این اسلوب بر زمان دلالت نمی‌کنند و هرگز در این اسلوب، جزایی ذکر نمی‌شود و یادکرد جزاء در نوشتارهای مفسران و ادباء تنها برای توضیح و تفسیر مراد است. (ر.ک: صبان، ۱۴۱۷ق، ۴: ۵۰-۵۱؛ شرتونی، ۱۳۷۸، ۴: ۳۷۴) پس لازمه این دیدگاه آن است که کاربرد «إن» و «لو» محدود به اقسام یاد شده نیست و اسلوب وصلیه قسمی جداگانه با کاربرد و کارکردی متمایز به‌شمار می‌آید.

۳.۴. شرایط تحقق اسلوب وصلیه

تحقق اسلوب وصلیه منوط به وجود سه شرط می‌باشد:

شرط نخست: ذکر «واو» پیش از «إن» و «لو». گر چه جواز کاربست اسلوب وصلیه بدون «واو» به برخی نحویان نسبت داده شده است ولی مشهور نحویان، تحقق این اسلوب را منوط به ذکر «واو» پیش از «إن» و «لو» می‌دانند. (ر.ک: دمامینی، ۱۴۲۸ق، ۱: ۹۷) آلوسی با استناد به رأی مشهور، دیدگاه کسانی که جمله «إن كنتم قوماً مسرفين» در آیه أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ (زخرف: ۵) - بر اساس قرائت کسر «إن» - را حالیه دانسته‌اند، مورد اشکال قرار داده است؛ چراکه، حال بودن جمله‌ی شرطی که جواب آن ذکر نشده تنها در اسلوب وصلیه صحیح است در حالی که در این آیه «إن» قطعاً وصلیه نیست؛ زیرا پیش از آن «واو» ذکر نشده و «إن» وصلیه بر طبق نظر مشهور نحویان بدون واو به کار نمی‌رود. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۳: ۶۶)

شرط دوم: عدم یادکرد جزاء پس از این دو حرف. تحقق اسلوب وصلیه مشروط به ذکر نشدن جزاء پس از «إن» و «لو» است؛ زیرا همانگونه که پیشتر گذشت دو دیدگاه اساسی پیرامون معنای «إن» و «لو» وصلیه وجود دارد: ۱- بقاء در ساختار شرط ۲- خروج از ساختار شرط؛ طبق دیدگاه اول هر چند «إن» و «لو» دارای معنای شرط بوده و جمله پس از آن دو، جمله شرطی می‌باشد اما جواب شرط در این اسلوب باید همواره در تقدیر باشد. بر پایه دیدگاه دوم، «إن» و «لو» در اسلوب وصلیه از ساختار شرط بیرون آمده و تنها برای پیوند دادن و وصل کردن به کار می‌روند و نیازمند جزاء نمی‌باشند.

شرط سوم: لزوم ذکر نشدن «لام» مفتوح پس از «إن» و «لو». مشهور نحویین بر این باورند که ذکر «لام» مفتوح پس از «إن» نشانه‌ی «إن» تأکید (مخفف از ثقیله) است و هدف از آن جداسازی «إن» مخفف از «إن» نافیه می‌باشد. ابن هشام انصاری این مسأله را به شکل قاعده‌ای کلی چنین بیان کرده است: «هر کجا «إن» و «لام» در کنار یکدیگر قرار گرفت «إن» را مخفف از ثقیله بدان». (ابن هشام، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۵) همچنان که ذکر لام مفتوح پس از «لو» نشانه شرطیه بودن است که بر جمله جواب داخل شده است؛ بنابراین، در صورت ذکر «لام» مفتوح پس از این دو حرف، «إن» از گونه‌ی مخفف و «لو» از قسم شرطیه به شمار می‌آیند و وصلیه نخواهند بود.

۵. تحلیل کارکرد معنایی اسلوب وصلیه

از واکاووی و تحلیل موارد استعمال «إن» و «لو» وصلیه می‌توان دریافت که از این اسلوب در جایگاهی بهره برده می‌شود که حکمی در کلام ذکر شده و موضوع آن حکم، دارای افراد، مصادیق و حالات مختلف و منافی با یکدیگر است. در تعلق حکم به برخی مصادیق تردیدی وجود ندارد، اما تعلق حکم به برخی دیگر، به دلایلی پنهان بوده و روشن نیست. از این رو احتمال می‌رود که حکم، نسبت به آن مصداق پنهان، تخصیص خورده و آن را دربرنگیرد. در چنین جایگاهی، برای جلوگیری از احتمال محدودیت حکم، پس از بیان حکم به صورت کلی، مصداق پنهان با اسلوب وصلیه ذکر می‌شود تا نشان دهد که حکم مذکور، آن مصداق پنهان را نیز دربرمی‌گیرد و در نتیجه، با اثبات حکم برای فرد پنهان، حکم برای فرد آشکار نیز با اولویت قطعی ثابت می‌گردد و دیگر نیازی به ذکر این مصداق نیست. بنابراین با بهره‌گیری از اسلوب وصلیه، با روشی بدیع و مختصر، تعمیم حکم برای همه مصادیق ثابت می‌گردد و احتمال تخصیص از بین می‌رود و مقصود، با مبالغه و تأکید بیشتری بیان می‌شود. تحلیل فیومی درباره افاده شمول در این اسلوب چنین است: «گاهی "إن" همانند "لو" از معنای شرط خالی می‌شود، نظیر «صلّ و إن عجزت عن القيام» که در این صورت، هدف گوینده، بیان اتحاد و اشتراک مصداق ذکر شده و مصداق یاد نشده در حکم مذکور در جمله پیش از آن است، بنابراین با تقييد حکم مذکور به اسلوب وصلیه، بر گستردگی حکم تصریح می‌شود درحالی که اگر تقييد به اسلوب وصلیه انجام نمی‌گرفت حکم مطلق بود و چون مطلق را می‌شود تقييد کرد همواره این احتمال وجود داشت که مصداق ذکر شده پس از «واو» داخل در حکم ماقبل نباشد، درحالی که با تقييد به اسلوب وصلیه، احتمال یاد شده از میان می‌رود و عمومیت حکم برقرار مانده و اراده تخصیص ممتنع می‌شود». (فیومی، ۱۴۱۴ق، ۲: ۲۷) بنابراین «إن» و «لو» وصلیه کارکرد متمایزی از سایر اقسام این دو حرف دارند. این کارکرد معنایی ویژه علاوه بر قرآن کریم که بدان خواهیم پرداخت، به روشنی در روایات، ادعیه اهل بیت و متون علمی نیز دیده می‌شود، به عنوان نمونه:

(۱) «أَكْرَمَ الضَّيْفِ وَ لَوْ كَانَ كَافِرًا» (شعیری، بی تا: ۸۴): در این روایت به اکرام میهمان دستور داده شده هر چند کافر باشد. حکمت استفاده از اسلوب وصلیه در این روایت این است که میهمان دو نوع کافر و غیر کافر (مومن) دارد و مخاطب، حکم وجوب اکرام میهمان را نسبت به میهمان مؤمن و مسلمان به راحتی می‌پذیرد و در تعلق حکم به این مصداق هیچ شبهه‌ای ندارد، ولی وجوب اکرام میهمان کافر را باور نمی‌کند و احتمال می‌دهد شاید حکم اکرام، ویژه مؤمنان باشد نه کافران؛ از این رو با جمله «و لو كان کافراً» به مخاطب فهمانده شده که حکم اکرام برای همگان است و شامل کافران نیز می‌شود. البته روشن است هرگاه حکم، مصداق پنهان (کافر) را شامل شود، مسلّم تر و به اولویت قطعیه مصداق آشکار (مؤمن) را نیز دربرمی‌گیرد.

(۲) «... وَ لَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوُ عَنِّ عَبْدِكَ وَ إِنِّ أَسَاءٌ...»؛ درگذشتن از بنده‌ات بر تو دشوار نیست، گرچه بد کرده است». (دعای ۳۲ صحیفه سجاده: دعا هنگام نماز شب)

سید علیخان مدنی «إن» را در این فراز از مناجات امام سجاد (ع) وصلیه دانسته و با تکیه بر دیدگاه جنزی، درباره مراد امام (ع) چنین می‌نویسد: «لَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوُ عَنِّ عَبْدِكَ، حال عدم إساته، و حال إساته» یعنی بخشش تو از بنده‌ات دریغ نخواهد شد؛ چه در حال گناه کار نبودن او و چه در حال گناه کار بودنش. (مدنی، ۱۴۰۹ق، ۵: ۴۱) کارکرد معنایی اسلوب وصلیه در این فراز از دعا، تأکید بر گستردگی و فراگیری حکم برای همه مصادیق، به جهت نشان دادن رحمت گسترده پروردگار است که بخشش خود را از بنده بدکار نیز دریغ نمی‌کند؛ بنابراین وقتی بنده‌ی گناه کار از رحمت الهی محروم نیست بی‌تردید، رحمت خدا بنده غیر گناه کار را نیز دربرمی‌گیرد.

3) «و کَلَّ و جمیع و عامّة لغیره من ذی أجزاء یصحّ افتراقها و لو حکماً، نحو: اشتریت العبد کله». (عاملی، ۱۴۰۰: ۱۱۱) واژگان «کَلَّ»، «جمیع» و «عامّة» زمانی از الفاظ تأکید معنوی به شمار می‌آیند که متبوعشان اجزایی همراه با امکان جداسازی‌شان داشته باشد؛ این افتراق به دو گونه حسّی و حکمی می‌تواند باشد. در افتراق حسّی، تأکید با این سه لفظ درست است، مانند «جاء القوم کلهم» ولی در افتراق حکمی، مانند «اشتریت العبد کله» که جداسازی حسّی اجزای بدن عبد شدنی نیست، ولی افتراق حکمی امکان دارد و به لحاظ فقهی می‌توان اجزای بدن عبد را خرید و فروش کرد، حکم روشن نیست و محتمل است که حکم صحّت تأکید، این فرض را شامل نشود، از این رو شیخ بهایی در بیان این مطلب از اسلوب وصلیه با عبارت «و لو حکماً» بهره گرفته، تا به روشنی بیان کند که حکم صحّت تأکید، حکمی عمومی است و شامل متبوعی که اجزای قابل افتراق حکمی دارد نیز، خواهد شد؛ در نتیجه، مصداق آشکار یعنی متبوعی که امکان افتراق حسّی دارد را نیز شامل خواهد شد.

۶. اسلوب وصلیه در قرآن کریم

قرآن کریم سرشار از آرایه‌های بلاغی و ادبی است، و یکی از ساختارهای ادبی برجسته در آن، اسلوب وصلیه است. گفتنی است با بررسی آماری آیات و با توجه به شرایط تحقق اسلوب وصلیه، «لو» وصلیه نسبت به «إن» وصلیه کاربرد بیشتری در این کتاب آسمانی دارد؛ از این رو، نخست به بررسی کاربرد و کارکرد «لو» وصلیه در قرآن کریم پرداخته و سپس به بررسی «إن» وصلیه می‌پردازیم.

۱.۶. «لو» وصلیه

«لو» در قرآن کریم در ساختارهای گوناگونی به کار رفته و معانی متنوعی را می‌رساند. در برخی موارد، این کلمه در ساختارهایی به کار رفته که با اسلوب وصلیه سازگار است و شرایط این اسلوب را دارا می‌باشد. اما در بسیاری از موارد دیگر «لو» در ساختارهایی به کار رفته که با این اسلوب تطابق ندارد. در ادامه به بررسی نمونه‌هایی از هر دو کاربرد در آیات قرآن کریم می‌پردازیم تا به درک ژرف‌تری از نقش این کلمه در بیان معانی مختلف دست یابیم.

۱.۱.۶. آیه ۲۲۱ سوره بقره

و لَأُمَّةٌ مِّنْهُ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ؛ «قطعاً کنیز باایمان از زن آزاد مشرک بهتر است، هر چند [زیبایی، مال و موقعیت او] شما را به شگفتی آورد».

از دیدگاه ابوحنبلان «لو» در این آیه وصلیه، و «واو» برای عطف بر محذوف است. و بر این اساس تقدیر آن چنین خواهد بود: «لَأُمَّةٌ مِّنْهُ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ عَلَىٰ كُلِّ حَالٍ وَ لَوْ فِي هَذِهِ الْحَالِ» و «لو» در این گونه موارد، تمام حالات را دربرمی‌گیرد و جمله پس از «لو» در این اسلوب، منافی جمله محذوف پیش از آن است. (ر.ک: ابوحنبلان، ۱۴۲۰ق، ۲: ۴۱۸) ابن عاشور نیز «لو» را در این آیه وصلیه دانسته و کارکرد معنایی آن را تأکید بر شمول و گستردگی حکم برای همه حالات، و زدودن احتمال محدودیت در آن، در راستای آگاه کردن مخاطب به این نکته می‌داند که در حالاتی که شاید کنیزان مشرک برتر از مسلمان پنداشته شوند، باز هم ازدواج با کنیزان مسلمان برتری دارد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲: ۳۴۴)

۲.۱.۶. آیه ۲۱ سوره لقمان

أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ؛ «آیا هر چند شیطان آنان را به سوی عذاب سوزان فراخواند»:

زمخشری در تفسیر این آیه بر اساس دیدگاه خود «واو» را از گونه حالیه و جمله پس از آن را جمله حالیه دانسته و آیه را چنین تفسیر کرده است: «أَوْ يَتَّبِعُوهُمْ وَ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ أَي: فِي حَالِ دَعَاءِ الشَّيْطَانِ إِلَيْهِمْ إِلَىٰ الْعَذَابِ». (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۴۹۹) آلوسی نیز «لو» را وصلیه و «واو» را عطف بر محذوف دانسته و تقدیر آیه را چنین در نظر گرفته است: «أَتَبِعُوهُمْ لَوْ لَمْ يَكُن الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ الْعَذَابِ وَ لَوْ كَانَ يَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ». (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۱: ۹۳) کارکرد معنایی اسلوب وصلیه در این آیه، تأکید بر فراگیری حکم در همه حالات به جهت تبیین پیروی کورکورانه معاندان از شیطان است و اینکه آنان همواره از شیطان تبعیت می‌کنند، گرچه او آنان را به سوی آتش سوزان فراخواند. بر این اساس، با ذکر حالتی از پیروی از شیطان که بسیار شگفت‌آور است، دنباله روی معاندان از شیطان با تأکیدی بیشتر بیان می‌شود.

۳،۱،۶. آیه ۲۳ سوره انفال

وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَا يَسْمَعُهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ:

شرایط تحقق اسلوب وصلیه در این آیه وجود ندارد؛ زیرا جواب «لو» ذکر شده، و همانگونه که پیشتر گذشت، کاربردی این اسلوب منوط به عدم یادکرد جزاء می‌باشد؛ بنابراین «لو» در آیاتی که در آنها جزاء ذکر شده -مانند این آیه- قطعاً وصلیه نیست. ابن عاشور «لو» را در هر دو فقره‌ی آیه، شرطیه دانسته که برای افاده انتفاء شرط و جزاء ذکر شده است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۶۲)

۴،۱،۶. آیه ۱۰۳ سوره بقره

لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لِّوَكَاةٍ يُعَلِّمُونَ:

در این آیه، با وجود عدم ذکر صریح جزاء برای «لو»، به دلیل آن که پیش از آن «واو» ذکر نشده و کاربردی اسلوب وصلیه، مشروط به ذکر شدن «واو» است، نمی‌توان «لو» را وصلیه دانست و «لو» شرطیه است و جزاء آن مقدر می‌باشد. در آیه رَبُّمَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ (حجر: ۲) نیز به همین دلیل نمی‌توان «لو» را وصلیه دانست.

۲،۶. «إن» وصلیه

«إن» یکی از حروف مهم و پرکاربرد در قرآن کریم است و در ایجاد ارتباط معنایی بین اجزای جمله و انتقال مفاهیم پیچیده به مخاطب، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. این حرف در قرآن کریم در معانی: شرط، نفی و تاکید (مخفف از ثقیله) فراوان به کار رفته است. با بررسی تطبیقی «إن» در آیات و در نظر گرفتن شروطی که برای تحقق اسلوب وصلیه وجود دارد، کاربرد «إن» وصلیه نسبت به سایر کاربردهای آن بسیار کمتر است. در جدول زیر، ساخت‌های پرکاربرد «إن» با توجه به تحقق و یا عدم تحقق اسلوب وصلیه بررسی شده است:

ساخت‌های پرکاربرد «إن» در قرآن کریم

شماره	ساخت	آیه	حکم	علت
۱	«إن» + جمله فعلیه + جمله فعلیه	قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُعْزَمْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ (انفال: ۳۸)	«إن» شرطیه است و وصلیه نیست	ذکر جزاء و عدم یادکرد «واو» پیش از «إن»
۲	«واو» + «إن» + جمله فعلیه + جمله	وَ إِنْ يَأْتُواكُمْ أُسَارَىٰ فَادُوهُمْ (بقره: ۸۵)	«إن» شرطیه است و وصلیه نیست	یادکرد جزاء
۳	جمله + «إن» + جمله فعلیه	قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا (مریم: ۱۸)	«إن» شرطیه است و وصلیه نیست	عدم ذکر واو پیش از «إن»
۴	«لام» + «إن» + جمله فعلیه + جمله	لَئِنْ أَجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (انعام: ۶۳)	«إن» شرطیه است و وصلیه نیست	ذکر جزاء
۵	«واو» + «لام» + «إن» + جمله فعلیه + جمله	وَ لَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (آل عمران: ۱۵۷)	«إن» شرطیه است و وصلیه نیست	ذکر جزاء
۶	«إن» + جمله فعلیه همراه با «إلا»	إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ (توبه: ۱۰۷)	«إن» نافی است و وصلیه نیست	عدم یادکرد واو پیش از «إن»

۷	جمله + «واو» + «إن» + جمله همراه با «لام» مفتوح	وَ اذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَ اِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ (بقره: ۱۹۸)	«إن» مخففه از ثقیله است و وصلیه نیست	وجود «لام» مفتوح پس از «إن»
۸	جمله + «إن» + جمله همراه با «لام» مفتوح	قَالُوا اِنَّ هَذَا لَسَاجِرَانِ (طه: ۶۳)	«إن» مخففه از ثقیله است و وصلیه نیست	عدم یادکرد واو پیش از «إن» و وجود «لام» مفتوح پس از «إن»
۹	جمله + «واو» + «إن» + جمله همراه با «لام» مکسور	وَ قَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَ عِنْدَ اللّٰهِ مَكْرُهُمْ وَ اِنَّ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ (ابراهیم: ۴۶)	وصلیه بودن محتمل است	وجود شرائط «إن» وصلیه (یادکرد واو پیش از «إن» و عدم ذکر جزاء و «لام» مفتوح)

در ادامه، به تحلیل نمونه نهم که احتمال وصلیه بودن «إن» در آن وجود دارد، پرداخته و سپس برخی از آیاتی که «إن» در آنها وصلیه نیست را بررسی می‌کنیم.

آیه ۴۶ سوره ابراهیم

وَ قَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَ عِنْدَ اللّٰهِ مَكْرُهُمْ وَ اِنَّ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ:

در این آیه شروط سه‌گانه تحقق اسلوب وصلیه وجود دارد؛ به همین خاطر، وصلیه بودن «إن» به عنوان یک دیدگاه - بر طبق قرائت مشهور قراء- از سوی برخی مفسران مطرح شده است. توضیح آنکه واژه «لتزول» بر دو گونه قرائت شده:

۱) به فتح «لام» و رفع فعل مضارع: کسائی واژه را «لتزول» قرائت کرده است. (ابن خالویه، ۱۴۲۷ ق، ۱: ۳۳۶) بر طبق این قرائت، قطعاً «إن» برای تأکید (مخفف از ثقیله) است و «لام» مفتوح پس از آن در راستای جداسازی «إن» تأکید از «إن» نفی ذکر شده و هدف آیه، بیان شدت نیرنگ کافران است. علامه طباطبائی بر طبق این قرائت آیه را چنین معنا نموده: «و به تحقیق، مکر ایشان از نظر عظمت به اندازه‌ای بود که کوه‌ها را از جای برمی‌کند». (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ۲: ۸۵)

۲) به کسر «لام» و نصب فعل مضارع: جز قرائت کسائی، در همه قرائت‌ها، «لتزول» قرائت شده است. (ابن خالویه، ۱۴۲۷ ق، ۱: ۳۳۶) بر پایه این قرائت، دو دیدگاه مطرح شده:

ا. «إن» به معنای نفی است و «لام» پس از «کان» منفی، «لام» جحد و اگرچه معمولاً «إن» نافیه پیش از «إلّا» به کار می‌رود ولی گاهی بدون «إلّا» نیز به کار می‌رود همانند آیه فُلٌ اِنْ اُدْرِيْ اَقْرَبُ مَا تُوعَدُوْنَ اَمْ يَجْعَلُ لَهٗ رَبِّيْ اَمَدًا (جن: ۲۵). نافیه بودن «إن» را قرائت ابن مسعود: «ما کان مکرم» نیز تأیید می‌کند. (سمین، ۱۴۱۴ ق، ۷: ۱۲۵) ابن عاشور این دیدگاه را برگزیده و بر اساس آن، هدف آیه را تحقیر مکر و خدعه کافران می‌داند و اینکه مکر ایشان هرگز نخواهد توانست پیامبر و مسلمانان را که مانند کوه‌های پابرجا و زوال‌ناپذیر هستند، از بین ببرد و باطل سازد. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ۱۲: ۲۷۰)

ب. «إن» وصلیه است. ابوالسعود این دیدگاه را انتخاب کرده و در تبیین آن چنین نوشته است: «جمله همراه با «إن» وصلیه، عطف بر جمله‌ای مقدّر و معنای آیه چنین است: مجازات مکر آنان نزد خداست چه مکر آنان به درجه‌ای نیرومند باشد که کوه‌ها را نابود کند یا به این اندازه نرسد. حذف جمله «معطوف‌علیه» در این مقام، حذفی شایع و با هدف فهماندن این مطلب است که اگر حکم به هنگام وجود مانعی قوی وجود دارد بی‌تردید، هنگام عدم آن مانع، وجود خواهد داشت. و همین نکته، حکمت کاربست «إن» وصلیه و تأکید پنهان در آن است». (ابو السعود، ۱۳۸۸ ق، ۵: ۸۵)

علامه طباطبائی وصلیه بودن «إن» را به عنوان قول نخست ذکر، و بر اساس آن، آیه را چنین تفسیر کرده است: «برای‌تان معلوم شد که ما چه رفتاری با آنها کردیم و حال آنکه آنان آنچه در توانشان بود، در نقشه‌چینی و مکر به کار بردند، غافل از اینکه خدا به مکرشان احاطه دارد، هرچند مکرشان به قدری عظیم بود که کوه‌ها را از میان می‌برد» و تقدیر آیه را بر طبق دیدگاه جنزی

چنین دانسته: «الله محیط بمکرهم عالم به قادر علی دفعه إن کان مکرهم دون هذه الشدة و إن کان علی هذه الشدة؛ خدا به مکر ایشان محیط است؛ هم از آن خبر دارد، هم به دفع آن تواناست؛ چه مکر آنان اندک باشد یا به این اندازه از قدرت برسد که سبب از میان رفتن کوهها شود». (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۱۲: ۸۵)

بر طبق این دیدگاه، هدف از کاربردی اسلوب وصلیه بیان فراگیری قدرت و اراده الهی در همه حالات و مصادیق است. به دیگر سخن، خداوند با مکر معاندان مقابله خواهد کرد هر چند مکرشان به اندازه‌ای باشد که کوهها را از میان ببرد؛ بنابراین با ذکر حالتی از مکر و خدعه که بسیار بعید به نظر می‌رسد، اراده و قدرت الهی مورد تاکید قرار گرفته و در ذهن مخاطبان تثبیت می‌شود.

با توضیح یاد شده معلوم شد که در آیه مذکور سه دیدگاه (وصلیه، نافیه، مخففه) در «إن» مطرح گردیده و بر طبق هر احتمال معنا و تفسیری متمایز رقم خواهد خورد. به نظر می‌رسد وصلیه بودن «إن» نسبت به احتمالات دیگر، با هدف این آیه که بیان فراگیری قدرت و اراده الهی در همه حالات و مصادیق است، سازگاری بیشتری دارد.

۲،۲،۶. آیه ۱۸ سوره مریم

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتُ تَقِيًّا:

بی تردید می‌توان گفت که در این آیه «إن» وصلیه نیست؛ زیرا اگر چه جزائی برای آن در آیه نیست ولی از آنجا که پیش از «إن» واو ذکر نشده؛ بنابراین یکی از شروط تحقق اسلوب وصلیه در این آیه وجود ندارد؛ از همین رو ابن عاشور «إن» را در آیه، شرطیه و جزاء شرط را مقدر دانسته است. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۶، ص ۲۸۳)

۳،۲،۶. آیه ۱۹۸ سوره بقره

وَ اذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَ إِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ:

یکی از شروط «إن» وصلیه، لزوم ذکر نشدن «لام» مفتوح پس از آن است؛ چرا که ذکر «لام» مفتوح نشانه مخففه بودن «إن» است؛ از این رو «إن» در این آیه به یقین وصلیه نخواهد بود. آلوسی در تفسیر این آیه وجود «لام» مفتوح را نشانه آن دانسته که «إن» مخففه از ثقیله است و اسم آن حذف شده و عمل نحوی آن نیز مهمل گشته است. (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۴۸۴) همچنان که در آیه وَ مَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَ إِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ (اعراف: ۱۰۲) نیز به علت ذکر «لام» مفتوح، احتمال وصلیه بودن منتفی است؛ از این رو ابن هشام انصاری این آیه را به عنوان مصداقی برای «إن» مخففه مطرح کرده است. (ابن هشام، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۵)

۴،۲،۶. آیه ۸۵ سوره بقره

تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ إِنْ يَأْتُواكُمْ أُسَارَى فَذَلِكُمْ:

کاربرد اسلوب وصلیه منوط به عدم یادکرد جزاء پس از این اسلوب است؛ بنابراین «إن» در آیاتی که در آنها جزاء ذکر شده قطعاً وصلیه نیست. آیه یاد شده از این قبیل است و «إن» در این آیه شرطیه است که شرط آن فعل «يَأْتُواكُمْ» و جزاء آن فعل «فَذَلِكُمْ» می‌باشد که هر دو فعل به واسطه «إن» مجزوم شده است. (ر.ک: سمین، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۲۸۷) همچنان که در آیه قُلْ لِلدِّينِ كَفْرًا إِنْ يَنْتَهُوا يُعْظَمُ لَكُمْ مَا قَدْ سَلَفَ (انفال: ۳۸) نیز به علت ذکر جزاء، احتمال وصلیه بودن منتفی است.

۷. نتیجه

در پژوهش حاضر به واکاوی دیدگاه‌های اساسی پیرامون ماهیت نحوی اسلوب وصلیه پرداخته شد و کارکرد معنایی آن مورد بازشناسی قرار گرفت و کاربرت این اسلوب در قرآن کریم بررسی و تحلیل شد. مهمترین دستاوردهای این نوشتار را می‌توان در موارد زیر بیان کرد:

۱. در میان دیدگاه‌های متعددی که درباره ترکیب نحوی اسلوب وصلیه مطرح شده است، دیدگاه جنزی که «واو» را برای عطف، و جمله پس از آن را معطوف بر جمله‌ای مقدر و منافی آن می‌داند، مقبولیت بیشتری در میان نحوایان یافته و معمولاً اسلوب وصلیه بر اساس آن ترکیب نحوی می‌شود.

۲. «إن» و «لو» در اسلوب وصلیه، بر طبق دیدگاه کسانی که معتقدند این دو حرف بر معنا و ساختار شرط باقی مانده‌اند، مصداقی برای «إن» و «لو» شرطیه به شمار خواهند آمد اما، بر پایه نگره کسانی که بر این باورند که این دو حرف در این اسلوب از معنا و ساختار شرط خارج شده‌اند، اسلوب وصلیه قسمی جداگانه و متمایز از اقسام یادشده در کتاب‌های نحوی، خواهد بود.

۳. کارکرد معنایی اسلوب وصلیه کارکردی دفعی-شمولی است و در راستای زدودن شبهه فراگیر نبودن حکم یاد شده در کلام و بیان تعمیم و شمول حکم برای همه مصادیق و در همه حالات به کار می‌رود و در نتیجه با استفاده از این اسلوب، حکم یاد شده در کلام با تاکید بیشتری فهمانده می‌شود.

۴. کاربرت اسلوب وصلیه بر طبق نظر مشهور، مشروط به ذکر شدن «واو» پیش از «إن» و «لو»، و لزوم ذکر نشدن «لام» مفتوح و جزء پس از این دو حرف می‌باشد. با توجه به این شروط، در قرآن کریم، اسلوب وصلیه با حرف «لو» نسبت به «إن» کاربرد بیشتری دارد اما کارکرد دفعی-شمولی این اسلوب در هر دو حرف، به روشنی در قرآن کریم بازتاب یافته است.

۸. منابع

*قرآن كريم

- [۱] ابن خالويه، محمد بن أحمد بن نصر. ۱۴۲۷ق، إعراب القراءات السبع و عللها، بيروت: دار الكتب العلميه.
- [۲] ابن عاشور، محمد بن طاهر. ۱۴۲۰ق، التحرير و التنوير. تونس: الدار التونسيه للنشر.
- [۳] أبو السعود عمادى، محمد بن محمد بن مصطفى. ۱۳۸۸ق، تفسير أبو السعود = إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- [۴] استر آبادى، رضى الدين محمد بن حسن. ۱۳۸۴، شرح الرضى على الكافيه. تهران: مؤسسه الصادق.
- [۵] اندلسى، ابو حيان محمد بن يوسف. ۱۴۲۰ ق، البحر المحيط فى التفسير. بيروت: دار الفكر.
- [۶] انصارى، عبد الله بن يوسف. ۱۴۱۰ ق، مغنى اللبيب عن كتب الأعراب. قم: كتابخانه آيت الله مرعشى.
- [۷] آلوسى، سيد محمود. ۱۴۱۵ ق، روح المعانى فى تفسير القرآن العظى. بيروت: دارالكتب العلميه.
- [۸] تفتازانى، مسعود بن عمر. ۱۴۱۵ق، تهذيب المنطق همراه با حاشيه ملا عبدالله يزدى. قم: مؤسسه نشر اسلامى.
- [۹] ----- ۱۴۱۶ق، مطول. قم: مكتبه داورى.
- [۱۰] خفاجى، شهاب الدين أحمد بن محمد بن عمر. ۱۴۱۷ق، حاشيه الشهاب على تفسير البيضاوى = عنايه القاضى و كفايه الراضى على تفسير البيضاوى. بيروت: دار صادر.
- [۱۱] دمامينى، محمد بن أبى بكر. ۱۴۲۸ق، شرح الدمامينى على مغنى اللبيب. بيروت: مؤسسه التاريخ العربى.
- [۱۲] زمخشرى، محمود بن عمر. ۱۴۰۷ ق، الكشاف عن حقايق غوامض التنزيل. بيروت: دار الكتاب العربى.
- [۱۳] سمين حلى، احمد بن يوسف. ۱۴۱۴ق، الدر المصون فى علوم الكتاب المكنون. بيروت: دار الكتب العلميه.
- [۱۴] سيبويه، عمرو بن عثمان بن قنبر. ۱۴۱۰ق، الكتاب. بيروت: مؤسسه أعلمى.
- [۱۵] شرتونى، رشيد. ۱۳۸۷، مبادئ العربيه فى الصرف و النحو. قم: دار العلم.
- [۱۶] شعيرى، محمد بن محمد. بى تا، جامع الأخبار. نجف: مطبعه حيدر يه.
- [۱۷] صبان، محمد بن على. ۱۴۱۷ ق، حاشيه الصبان على شرح الأشمونى. بيروت: دار الكتب العلميه.
- [۱۸] طباطبايى، سيد محمد حسين. ۱۴۱۷ ق، الميزان فى تفسير القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامى.
- [۱۹] عاملى، محمد بن حسين. ۱۴۰۰، الفوائد الصمديه، سيد على خاتمى. قم: نور معارف.
- [۲۰] فرات كوفى، فرات بن ابراهيم. ۱۴۱۰ق، تفسير فرات كوفى. تهران: سازمان انتشارات وزارت ارشاد اسلامى.
- [۲۱] فيومى، احمد بن محمد. ۱۴۱۴ق، المصباح المنير فى غريب الشرح الكبير. قم: انتشارات هجرت.

[۲۲] قائمی و قتالی، مرتضی و سید محمود. «بررسی ساختار نحوی - بلاغی حرف «لو» و کاربردهای آن در قرآن کریم»، فصلنامه پژوهش های ادبی - قرآنی. ۱۳۹۲. ش ۱. ۱۳۰ - ۱۵۴.

[۲۳] کریمی نیا، مرتضی. «مترجمان و لغزش در فهم معنای إن»، نشریه بینات. ۱۳۷۳. ش ۲. ۷۲ - ۸۳.

[۲۴] مدنی، سید علی خان. ۱۴۳۱ق، الحدائق النديه فی شرح الفوائد الصمدیه. قم: ذوی القربی.

[۲۵] ----- ۱۴۰۹ق، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین(ع). قم: دفتر انتشارات اسلامی.